

خاک ایران زمین کعبه ی آمال ایرانیان است

در مقاله های هوخت شماره ۷ و ۸ یاد آور شدم که ایرانیان میهن پرست هیچگاه سر تعظیم به کشورهای بیگانه فرود نیاورده و مجد و عظمت خود را همیشه بر جهانیان ثابت نموده و در مورد نور و آتش و چراغ و آفتاب با شواهدی از کتاب مقدس اوستا تورات - زبور انجیل و قرآن کریم آوردیم و اینک یه گفتگو درباره آن :

در دین یهود آتش بسیار ارجمند و گرامی است برای اینکه در این کیش کهنسال خدای یگانه یهوه YAHOVA با پیامبر خود موسی با زبانه آتش در گفتگو ست. در آیین این پیامبر خود موسی با زبانه آتش در گفتگوست. در آیین این پیامبر سالخورده که مادر همه ی دینهای سامی شمرده میشود، زبانه ی آتش خداوندگار است. در سراسر نامه ی آسمانی تورات در قربانگاهان، آتش جاودانی بر افروخته است و این آخشین نورانی در همه جا ستوده شده است. در سفر خروج اکسدوس بابی سوم آمده است.

موسی هنگامی که گله ی مادر زن خود یثرون Yethron را که کاهن مدیان Median بود بچرا میبرد فرشته ی خداوند در زبانه ی آتش از پیشه ای خود را به او معرفی کرد - او دید که پیشه در آتش میسوزد اما نابود نمیشود. چون خداوند دید که او بدان سوی میرود از آن پیشه ی آتشی بدو بانگ زد و او پاسخ داد. خداوند باو گفت کفش از پاهای خویش بیرون کن زیرا این سرزمین نورانی حوریب Hurib است و مکان مقدسی است.

باز در سفر خروج در باب ۱۹ از آتش چنان با شور و هیجان و هیجان یاد شده که باید آنرا فروغ خدای و جلوه ی خداوندی خواند.

باز در همان باب است که می گوید: از سراسر تور سینا دود برخاست خداوندگار با آتش بر آن کوه فرود آمد. دود از آن کوه مانند دود کوره ای بسوی آسمان بالا رفته و همه ی کوه بلرزید. در آن حال موسی سخن میگفت و خداوندگار پاسخ میداد.

در نزد هندوان برادران آریانی و هم نژدان ایرانیان تش بسی ارجمند و گرامی است. در ریگ وادا (Rigveda) که کهنترین بخش از نامه ی آسمانی برهمنان است آگنی پروردگار آتش همانند پروردگار ایندرا یاد شده ستوده شده است و سرود های ریگ وادا با ستایش آگنی شروع می شود.

(Agni) در سانسکریت آتش، آگنی خوانده شده و آنرا آگ Ag نیز میگویند. و در بسیاری از زبانهای هند و اروپای با ین واژه بر می خوریم.

در سرزمین پروس ویلتوانیا پروردگار آتش، اوگنیس Ugniss پایه ی بسیار ارجمند ی داشت و ستایش وی با آیین ویژه ای انجام میگرفت و او را با صفت سونتا یعنی بانوی مقدس می خوانند. و این صفت در اوستا سپنت آمده و در پارسی سپند میگویند که به معنی پاک مقدس. پارسیان هند زبان گجارتی دارند آتشکده ی خود را اگیاری یعنی جایگاه آگ آتش گاه میخوانند.

چنان کهد در داستان های ایرانی هوشنگ پیشدادی نخستین کسی است که آتش را پدید آورد نزد چینیان نیز چونگ یونگ است که آتش را پیدا کرد و از آن پس خود را پروردگاری دانسته شد و خدایان دیگر در خور ستایش و نیایش گردید. یکی از جشنهای همگانی چین که در هر خانه و کاشانه ای بر پا میشود جشن پروردگار آتش است که نگهبان خاندان است این جشن در پایان سال در بیست و چهارمین روز از دوازدهمین ماه گرفته میشود. و چینیان معتقدند که پروردگار آتش در این هنگام به میهن آسمانی خود میرود و گزارشی از کردار و رفتار سپری شده ی خاندانی که آتش سپرده شده ی آتش بدو سپرده شده ی خاندانی که آتش بدو سپرده شده به پیشگاه خدایان می رساند در این آتش مبلغی پول کاغذی هم (چاو) هم میسوز و همچنین کاغذهایی که روی آنها اسب و تخت روان نگاشته شده در آتش میسوزانند و همچنین مقداری شیرینی و انگبین را در آتش می سوزانند و این بداد جهت است که خداوند آتش در آسمان آن خاندان را به نیکی یاد کند تا خدایان دیگر از آن خاندان خشنود شوند .

گفتیم که آتش و نور در جهان و نزد جهانیان گرامی شمرده شده و شواهدی از قرآن کریم و کتابهای مقدس زبور، انجیل و تورات آوردیم و همچنین مقدس بودن آنها را در نزد ادیان مختلف مسیحی، یهودی، بودایی، زرتشتی، روشن است. یونان در داستان آفرینش آدمی سه گونه روایت دارد :

یکی از روایات آنها این است، " که پرومتئوس Prometheus سازنده آدمی از گل و آب و " آتنا Athena" باو روان بخشید. از این پس ساخته ی کالبد آدمی بر شد که از آتش دو جان بدمد. اما آتش را از بارگاه خدای بزرگ زاوش برگرفتن و بزمین آوردن بسیار دشوار بود. چه پاسبانیان و نگهبانان سهمگین برای نگهداری آن گماشته بودند. پرومتئوس گستاخانه بآن دست یافته و آنرا بزمین رسانید .

زاوش پس از ربوده شدن آتش خشم گرفته و او را در سرزمین سکاها در در قفقاز سنگ خارا میخکوب کرد و شاهینی او را سی سال عذاب می داد.

پروردگار آتش نزد یونانیان (هفتوس hephatos) نام دارد و آن را سپهر زاوش Zeus و هرا Hera میدانند. به گفته ی افلاطون فیلسوف نامدار یونانی پرومتئوس آتش را از زاوش نر بوده بلکه از کارگاه هفتوس بدر برد. آتش مقدس خاندان نگهبان مردمان کشور هستیای Kronos خوانده شده و او دختر کروتوس ورها دانسته شده و چون پشتیبان کشور است نباید هیچگاه خاموش شود. چون که خاموش شدن آتش گویای پیش آمدن آسیب و شکست کشور بود. از برای زنده نگهداشتن آتش پاک زنان پاک و پارسا و پرهیزگار و با دختران دوشیزه گماشته بودند. آنان معتقد بودند که بایستی همانند آتش پاک و بی آلایش باشند یونانیان در مورد آتش سخن گفته اند ولی ما در همین جا بسنده کرده و در مورد آتش نزد

یونانیان در مورد آتش نزد رومیان بکه وارث فرهنگ یونان هستند میپردازیم. ستایش آتش و نیایش آن نیز از میراث آن مرزو بوم است.

رومیان آتش و نور را اهمیتی بسزا میدهند و پروردگار آتش (وستا Vesta) نامیده شده است. آتش جاودای که پشتیبان کشور دانسته شده همراه در پرستشگاه وستا روشن بود. و از برای نگهداری آن ۴ چهار دختر بعدا ۶ دختر گماشتند. این دختران نبایستی از ۶ سال کمتر و از ده سال بیشتر داشته باشند. مادر و پدرشان زنده و اهل کشور ایتالیا باشند و از خانواده بنده و برده نباشند این دختران ۲۰ تن از پیشوایان (pontifex) بقرعه انتخاب می کنند و آنان بلافاصله بخدمت پروردگار آتش حضور می یابند. این دختران را وستالیس می خوانند.

چنان معمول بود که هر جا آتش زبانه می کشید پناهگاه بود و گناهکاران در آنجا در امان بودند. گذشته از آتشگاهان وستا یا پرستشگاهان، آتشدان های خاندان را هم که در منازل بود بزرگ و ارجمند می داشتند. واژه های وستبول Vestibule که در بسیاری از زبانهای کنونی اروپا بجا مانده یادگاریست از ستایش وستا و آن از واژه ی ویتبول Vestibulum در آمده و آن آتشی بوده در هر خانه ای نگهداری شده و اجاق خانوادگی بوده است. روز نهم ماه ژوئن جشن آتش مقدس وستا برپا میشده و روز زیارت محسوب میشد. زنان روم با پای برهنه به طرف پرستشگاه آتش می رفتند و نذر و نیاز می کردند و پیشکش می نمودند مانند آنکه در کنشت یهودیان جای بوده که (پاک پاکان) sanctum-sanetorum بحساب آمده و جز (خاخام) کسی نبایستی در آن مکان برود و مکان بایستی مقدس و پاکیزه بوده و مانند آتشکده زرتشتیان بجز موبد هیچکس در آن راه نمی یابد در پرستشگاه وستا نیز در جای که به ویژه مقدس است غیر از pentifex پیشوای دینی و وستالیس کسی را به آنجا راه نمی دادند.

کسی که بطرف نور و آتش پروردگار خدای یگانه را پرستش میکند نور را مظهر انوار خدای دانسته و با طیب اطر و بینش خالص صمیمیتی هر بیشتر روان و خرد خود را بطرف اهورا مزدا روانه می سازد.

عبدالعظیم رضایی- تاریخ نگار، نویسنده پژوهشگر، استاد پیشین تاریخ در دانشگاه

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>